

هنر و علم و عرصه‌های آن‌ها

در آثار خاص کودک

سیمین بازرگان*



کرده، با این فضا زندگی، آن را بیان، کشف و خلق می‌کند و حتی با اثرش، معیاری نو برای آثار خاص کودکان می‌آفریند. این هنرمند در انتظار تعریف معیارها و چارچوب‌های هنر خاص کودک نیست تا براساس آن و یا حوزه‌ی واژگان یا معیارهای روان‌شناختی بنویسد. او حس و ارتباط با کودک را به طور طبیعی و بدون محدود بودن در چارچوب‌ها و معیارهای تعریف شده و با کمک زبان و حس کودک به کار می‌گیرد تا لذت بودن با کودک و درکش را از او، به طریقی در اثر ابراز کند. ریتم و آهنگ کلام، طنین صدا، تصویر، نمایش و کنش حرکت و بازی و نقاشی و... قالب‌های شناخته شده برای ارتباط با کودک هستند. لایایی با مصرعی چون «لالالا کل فندق، باباش رفته سر

بنیان علم و هنر کودک، با خلاقیت، ساخت دانش، کسب مهارت‌ها و تأویل و تفسیر زندگی، با حضور فعال و توسط خود او شکل می‌گیرد؛ شکلی پویا و خلاق، تلفیقی و درهم تنیده که از فرایند تعامل و برقراری ارتباط او با محیط و عوامل موجود در آن، به دست می‌آید. تعاملی که در غالب آثار موفق علمی و هنری خاص او نیز به چشم می‌خورد؛ آثاری که برگرفته از زندگی فعال و پویای او، بازی‌ها، خواست‌ها و تلاش‌های اوست. دیده‌اید کودک چه پی‌گیر و شادمانه، به زندگی می‌پردازد؟ گویی در زمان و مکان نمی‌گنجد و دلگرم کشف و خلق بازیچه‌هایش است. گویی برنامه خاصی برای کشف دنیا در دست دارد. درست مشابه خلق اثر ماندنی هنرمندی برای کودکان که فراتر از واژه‌ها و زمان و مکان است و به دل کودک می‌نشیند. هنرمندی که اثرش به دل کودک می‌نشیند، بدون شک، این فضای کودک را حس

* نویسنده، مترجم و برنامه‌ریز اولین بسته آموزشی در ایران

صندوق» که کودک را به آرامش و خواب دعوت می‌کند و کودک مشتاق شنیدن آن از زبان مادر است. کدام یک از معیارهای تعریف شده آثار خاص کودکان را در بردارد (آیا فقط موزون بودن؟ آیا واژگان آن در محدوده خزانه لغوی کودک می‌گنجد؟) این لایه‌ها، بخشی از ادبیات خاص کودک است که فراتر از کلام، واژه و حتی ریتم، طنین صدای مادر و دریافت ارمغانی چون درک ادبی و هنری را به همراه دارد. پس هنر برای کودک، ماهیتی تلفیقی دارد؛ درست مثل زندگی او که بیشتر از هر دوره دیگر زندگی انسان، در هم تنیده و تلفیقی است. در این دوره، بنیان‌ها در زندگی کودک شکل می‌گیرند؛ چگونه راه رفتن و لب کشودن به سخن و حتی مهارت‌هایی چون استقلال فردی، کوشایی و دیگر مهارت‌های زبان (گوش کردن، تفهیم و تفاهم از طریق تصویر، اشاره و...) نیز تخیل و قدرت پیش‌بینی و درک و شناخت زیبایی‌ها و بسیاری از مهارت‌ها، مضامین و نگرش‌هایی که روان‌شناسی و تعلیم و تربیت و هنر امروز به کشف آن در کنش‌های انسانی ناآلوده (هنوز هم ابعاد آن ناشناخته باقی است)، در این دوره از زندگی انسان ریشه دارند.

پس هنر و علم خاص کودک نیز در تلفیق با زندگی برای کودک معنا می‌یابد. علم و یادگیری آن از دوره کودکی، برگرفته از زندگی و همراه با زندگی و ساخت آن توسط خود کودک صورت می‌گیرد. هنر نیز ریشه و بنیان‌ها از کودکی، در زندگی و در شرایطی طبیعی شکل می‌گیرد. درست همان گونه که کودک با شنیدن اعداد و سروکار داشتن با آن‌ها، به شمارش بی‌معنای اعداد رو می‌آورد و به تدریج، به درکی معنادار از عدد می‌رسد و پس از این درک، اعداد را با معیارهای بزرگسالانه در زندگی به کار می‌گیرد. به همین ترتیب، او قدرت تأویل و تفسیر هنرمندانه زندگی، با زبان خاص کودکانه‌اش را نیز بازی و مشق و

تمرین می‌کند. خاله‌بازی (وانمودبازی، بازی نقش) بنیان‌هایی در هنر بازیگری، تئاتر و نمایش و سینما برای او هستند. او شعر و کلام موزون و ترانه را از طریق لایه‌هایش می‌شناسد و درک ادبی را با شنیدن خاطرات، قصه‌ها، لطیفه‌ها، مثل‌ها و مثل‌ها تمرین می‌کند. او با نقاشی‌هایش، تعامل درونش با دنیای بیرون را بیان می‌کند. او دلبستگی‌هایش به رنگ‌ها و شکل‌ها را با کمک بازیچه‌ها و اسباب‌بازی‌هایش، بیان می‌کند. وقتی او اصرار به داشتن «ماشین قرمز» یا استقبال از لباس گلدار مادرش و یا اصرار به پوشیدن لباس خاصی به تن خودش و یا عروسکش دارد، درک زیبایی‌ها از منظر خودش را بروز می‌دهد. بسیار در لحن کودکان، تکرارهای موزون واژه‌ها و عبارات و حتی صداها را شنیده‌ایم.

پس او صد زبان برای برقراری ارتباط دارد که ما بزرگ‌ترها، بخشی از آن را در علم و موضوعات خاص آن (ریاضیات، علوم تجربی، علوم اجتماعی و زبان و...) و بخشی از آن را در حوزه‌های هنر می‌گنجانیم (شعر و قصه، نمایش و تئاتر، نقاشی و کار دستی، فیلم و...) اما از منظر این گوهر یکپارچه، این کودک، این انسان چندین و چند بعدی و پیچیده، همه چیز در تلفیق معنا می‌دهد. او در فرایند رشد، متناسب با پیچیدگی‌هایی که در او و در محیط او اتفاق می‌افتد، در یکی از حوزه‌ها به بار می‌نشیند، اما این به معنای مطلق شدن این حوزه و ترک دیگر حوزه‌ها نیست. درست مانند وقتی که کودکی در یک باغ است؛ آواها و صداها و دیدن باغ، او را به وجد می‌آورد. چه بسا وصف هنری که در ذهن او جای می‌گیرد و توسط ذهن او خلق می‌شود. پیچیده‌تر و زیباتر از بهترین آثار ادبی در وصف باغ و حال و هوای آن باشد. به طور قطع، چیزهایی در این باغ می‌بیند و یا می‌شنود که واژه معادل آن را نمی‌داند. آن چه مهم است، ارتباط هنری او با این فضا است. با پیشرفت درک هنری و

دیده‌اید کودک چه پی‌گیر و شادمانه، به زندگی می‌پردازد؟ گویی در زمان و مکان نمی‌گنجد و دلگرم کشف و خلق بازیچه‌هایش است. گویی برنامه خاصی برای کشف دنیا در دست دارد. درست مشابه خلق اثر ماندنی هنرمندی برای کودکان که فراتر از واژه‌ها و زمان و مکان است و به دل کودک می‌نشیند. هنرمندی که اثرش به دل کودک می‌نشیند، بدون شک، این فضای کودک را حس کرده، با این فضا زندگی، آن را بیان، کشف و خلق می‌کند و حتی با اثرش، معیاری نو برای آثار خاص کودکان می‌آفریند.

علوم تجربی، علوم اجتماعی، زبان و... مشترکات کنشی، دانشی، مهارتی و نگرشی این حوزه‌ها طرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد.

پس آن‌چه اهمیت دارد، طراحی و توجه به محیطی غنی و برگرفته از کنش، منش و دانش متحول کودک است که فرصت را به کودک برای برقراری ارتباط با محیط می‌دهد و مهم‌ترین شرط در موفقیت، همراه بودن با کودک، گوش کردن به او و گفت‌وگو و جست‌وجو با او در برقراری ارتباط با محیط است. گفت‌وگو و جست‌وجویی که به تدریج، مضمون هنری یا علمی و اخلاقی خود را می‌یابد. به طور قطع، اگر در قرن آینده به این مدل مروری داشته باشیم، می‌بینیم که هر یک از ابعاد، به جزئیاتی دیگر از کنش و منش و دانش کودک خواهد رسید و علم و دانش و هنری که امروز انسان در تبیین، کشف و خلق و تسلط بر آن تلاش می‌کند، مانند نفس کشیدن، از بديهيات زندگی او خواهد شد و یا شاید مدل سه بعدی، فرصت منشور شدن را یافته باشد.

پس طرح محدودیت واژگان کودک، محدودیت مهارت‌هایی چون خواندن و غیره و معیار قرار دادن این محدودیت‌ها برای تعریف حوزه‌ای از علم و هنر کودک، بدون مفهوم است. در تلفیقی غنی از زمینه‌های مختلف علم و هنر و اخلاق است که هنر ناب، در هر یک از حوزه‌ها معنا و جان می‌گیرد و آن هنر در یکی از حوزه‌های ادبیات، تصویر، نمایش و... تلفیقی از دو یا چند حوزه، ماندنی می‌شود. یک

تجربه او، بدون شک، واژه معادل هر تصویر ذهنی، در ذهن او جایگزین و یا همراه تصویر ذهنی خواهد شد و یا نقاش صدایی خواهد شد که به دل او نشست یا سخنتور واژه و تصویر ذهنی که در باغ دیده، یا با حرکات موزون و ابراز حرکتی، فضا را وصف خواهد کرد و یا با الگوسازی و مدل‌سازی باغ در بازی‌های کودکانه‌اش، طراحی هنری از فضا را تمرین خواهد کرد. هنر بدین‌گونه برای او معنا و بنیان می‌گیرد، هنر ابتدا به شکلی تلفیقی در زندگی او راه می‌یابد و کودک با کنش خویش، با آن رشد می‌کند و آن را پی می‌ریزد. شایسته است که این قابلیت‌ها را مدنظر داشته باشیم. بدون شک او در آینده یا خالق فضاهایی از این دست خواهد بود و یا سواد کافی در درک این عرصه‌ها خواهد داشت و در هر دو صورت، زندگی سالم و سرشار از تفهیم و تفاهم با هستی خواهد داشت.

گستره این تلفیق و تعیین حدود آن، با در نظر گرفتن کلیت زندگی و چند بعدنگری، فرصتی برای تبیین دارد. ابعادی که علاوه بر توجه به حوزه‌های خاص هنر و علم، به تعامل این حوزه‌ها در زندگی کودک می‌اندیشد. (طرح الف)، این گستره را نشان می‌دهد؛ مدلی چند بعدی که ورودی آن به طور محض و ثابت، هیچ یک از حوزه‌های شناخته شده علم و هنر در زندگی کودک نیست، بلکه در تلفیقی از مشترکات این حوزه‌ها (شعر و قصه، تئاتر و نقاشی و فیلم و بازی و یا موضوعاتی کوچک‌تر چون زمین و آنچه در آن است، ریاضیات،

فیلم انیمیشین جذاب برای کودکان را به زبانی غیر از زبان مادری کودکان پخش کنید. برقراری ارتباط کودک با انیمیشین، در مقایسه با یک فرد بزرگسال، جالب خواهد بود. بزرگسال در بند واژه‌ها و معنای آن است، اما کودک، همراه تصویر و موسیقی، با موضوع و محتوا درگیر خواهد شد و حتی کنش‌های ارائه شده در انیمیشین، در رفتار و بازی‌هایش جای خواهد گرفت. در عمل و واقعیت، می‌بینیم که کودک به صورت محض و خاص با یکی از این حوزه‌ها به راحتی ارتباط برقرار نمی‌کند و به تلفیقی موزون و هماهنگ از آن‌ها بهتر دل می‌بندد؛ چرا که به زندگی‌اش نزدیک‌تر است. تصویر و حرکت، کلام و قصه، رنگ، موسیقی و صدا، همراه با هم فضایی دلچسب برای کودک می‌سازند و بی‌شک، واژه و درک هنری از آن، در این فضا بهتر شکل می‌گیرد. اگر توجه کنیم، کودکان کتاب‌های مصور را بسیار دوست دارند؛ چرا که تصویر، کمک بیشتری برای برقراری ارتباط کرده است و قدرت انتخاب میان دو اثر را به آن‌ها می‌دهد. چسرا کودکان بهتر از بزرگسالان با زبان غیرمادری، ارتباط می‌گیرند؟ زیرا واژه‌ها برای آن‌ها فقط وسیله برقراری ارتباط نیستند. آن‌ها به طور طبیعی، قبل از آموختن واژه‌ها، به برقراری ارتباط و تفهیم و تفاهم پرداخته‌اند. زبان برای آن‌ها واژگان و دستور به کارگیری آن‌ها نیست. زبان برای آن‌ها زندگی و تفهیم و تفاهم است. به همین دلیل است که قبل از آغاز سخن گفتن و کاربرد واژه‌ها، به راحتی با اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند. از دیدگاه کودک، محدودیتی وجود ندارد. محدودیت‌ها را ما بزرگسالان تعریف می‌کنیم؛ زیرا حوزه تجربه ما فراتر از کودک است. ما به دلیل این که کدها و قراردادهای زبانی و معیاری هنر و زبان را می‌شناسیم و او این کدها را نمی‌داند، این محدودیت‌ها و معیارها را تعریف می‌کنیم. چه بسا کودک در سطح کنشی تجربه‌اش، توانا تر از ما با

محیطش ارتباط بگیرد؛ همان گونه که سرعت رشد و یادگیری او به مراتب بیشتر از ماست. شایسته است که این سرعت را در تمامی ابعاد وجود کودک، مورد توجه قرار دهیم.

پس با او بودن، درک او و فراهم آوردن زمینه در پرورش مهارت‌هایی که تاکنون علم روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و... به درک آن رسیده‌اند، بهترین و مهم‌ترین گام در یاری کودک به ساختن دانش و هنری است که چه بسا، ما بزرگ‌ترها در هر کسوتی، بسیاری از ابعاد آن را نشناخته‌ایم و بی‌شک، کودکان امروز و بزرگسالان فردا، آن‌ها را خواهند شناخت. جای هیچ‌گونه نگرانی برای محدودیت واژه‌ای و یا سطح تجربه کودک نیست. هر مهارت، هر دانشی و منحنی در بستر زندگی واقعی کودک، قابل درک و کاربرد است؛ مشروط به این که برگرفته از زندگی، علائق، خواست و کنش کودک باشد.

● کودکی که در یک فعالیت علمی، سنگ‌ریزه‌ها را جمع‌آوری و آن‌ها را براساس اندازه، رنگ و شکل دسته‌بندی می‌کند و در جدولی به تعداد اندازه، رنگ و شکل، به جای سنگ‌ها علامت می‌گذارد، مهارت پیچیده‌ای از مراحل یک پژوهش، یعنی جمع‌آوری و ثبت و تفسیر داده‌ها را اجرا می‌کند.

● کودکی که آوای موسیقیایی یک ترانه را می‌شنود و آن را روی صفحه‌ای سفید نقاشی می‌کند، تابلوی هنری مرتبط با آن موسیقی را ترسیم کرده است. تجربه کنید و ببینید که چه منحصر به فرد، جزئیات صداها و آواها را با رنگ و حرکت دست، به تصویر می‌کشند.

● چهره کودکی را هنگام شنیدن صدای پرندگان، وزش نسیم در دشتی زیبا مجسم کنید که چه فارغ‌البال و موزون در دشت می‌دود و می‌چرخد و می‌رقصد و هماهنگ، به دشت و زیبایی‌هایش می‌پیوندد. چهره کودکی که رنگین‌کمان شکل گرفته در حباب کف صابون و تابش نور خورشید، او را

... پاشو بشین پاشو بشین

ترتیب بدنی



موسیقی



تصویری از یک فرش که الگویی در نقش آن وجود دارد.

کودکانی را مجسم کنید که خطی در وسط حیاط کشیده‌اند و بر اساس ریتم بالا، به دو طرف خط می‌پرند که یک طرف آن ساحل را نقاشی کرده‌اند و یک طرف دریا را به تصویر کشیده‌اند. در ادامه ریتم‌ها، عبارات موزون کودکان شنیدنی است و بسیاری از ریتم‌های پیچیده‌تر از آن، برای کودکان قابل تجربه و بازی خواهد بود. او الگوریتم ریاضیات را در زبان، موسیقی، تربیت بدنی، نقاشی و... یاد خواهد گرفت. این یادگیری تلفیقی و درهم تنیده، در مورد مهارت‌ها و نگرش‌های میان رشته‌ای نیز صادق است. این مشترکات پایه‌ای در حوزه‌های علم و هنر، شامل مهارت‌های پایه‌ای یادگیری هم‌چون مشاهده، اندازه‌گیری، طبقه‌بندی و... و مهارت‌های تفکر انتقادی و مضامین بین رشته‌ای قابل پی‌گیری و شناخت هستند (ر. ک طرح الف). این تلفیق و حوزه‌های مشترک، در سه بعد برای تولید و اجرا و ارزشیابی در کارگاه‌های برنامه‌ریزی چندبُعدی، مورد تجربه قرار گرفته است. در آخرین کارگاه چند بعدنگری در تولید آثار خاص کودکان (علمی و هنری و...)، پس از مرور مهارت‌ها، مضامین و نگرش‌های شناخته شده در

به وجد آورده، واقعاً دیدنی است. درک هنری و ادبی، در کجا اتفاق می‌افتد؟ چرا فقط به این بیندیشیم که اگر کودک، قصه‌ای با وصف ادبی خاص از این گستره‌ها را گوش کند، درک ادبی کودک پرورش یافته است و تازه نگران محدودیت خزانه لغوی او هم باشیم.

همان گونه که در حوزه نظام‌های درسی، یادگیری میان رشته‌ای مطرح است، در هنر نیز این نگاه ضرورت دارد. بینش هنری کودک، از طریق ارتباط حوزه‌های هنر با سایر رشته‌ها وسعت می‌یابد. به این ترتیب که کودک، فرصتی برای مشاهده پیوند هنرهای تجسمی، موسیقی، نمایشی، ریاضیات، مطالعات اجتماعی، علوم و زبان و حتی مشاهده حضور این هنرها در زندگی خواهد داشت. او تأثیر هنر و علم را بر کل زندگی و زندگی بر هنر را حس خواهد کرد. درک این تأثیر و کاربرد هنر و علم در زندگی، به تحقق سواد کودک منجر می‌شود. سواد علمی، هنری و فناورانه؛ سواد زندگی انسانی.

به طور مثال، درک الگوها و کاربرد آن‌ها که بیش از همه حوزه‌ها در ریاضیات مطرح است، در بسیاری از عرصه‌های زندگی (علم و هنر) کودک ریشه دارد. به الگوریتم ساده زیر، در حوزه‌های مختلف توجه کنید. ... ۱ ۲ ۱ ۲

کودک بعدها در ریاضیات و کامپیوتر، با آن سروکار خواهد داشت. همین ریتم در نقاشی، در زبان، در صنایع، در موسیقی و در ورزش، به اشکال زیر، برای کودک قابل پی‌گیری است:

... ساحل دریا ساحل دریا ساحل دریا



طبیعت



لوازم تزئینی

اجازه دهیم که تعاریف و استانداردها، از دل کار علمی و هنری و از همین جامعه برآید. خودمان را به معیارهایی که در مبانی کار و نظر در جوامع دیگر ریشه دارند، محدود نکنیم. آنچه مهم است، بودن با کودک و درک او، فضا سازی برای حضور او در زندگی و بروز آن در آثار علمی و هنری اش است.

مربیان با کودکان، به تولیدکنندگان آثار خاص کودکان است...

با این شرایط، سطح وژگانی و رشد کودک و... محدودیت ایجاد نمی‌کند، بلکه همه با کودک در مفهومی، مهارتی و نگرشی همراه و درگیر می‌شوید، زندگی می‌کنند و برونداد آن ممکن است اثر فردی یا گروهی برای امروز و یا فرایندی در جهت تحقق سواد علمی، هنری و فناورانه باشد. (طرح ب) (۱)

تجربه تولید اولین بسته آموزشی ایران، در انتشارات مدرسه، بر اساس برنامه‌ریزی چندبعدی، گامی بزرگ و تلاشی نمونه در جهت نزدیک کردن فضای علم و هنر خاص کودک، به فضای زندگی کودکان است؛ تجربه‌ای که برای معتبرترین ناشرین دنیا الگو و نمونه‌ای منحصر به فرد خواهد بود.

در فضای برنامه‌ریزی چندبعدی و تولید بسته آموزشی، امکان رسیدن به نگاهی چندبعدی، هم از زاویه ایده و اندیشه اولیه و هم تولید و ارایه آثار در قالب رسانه‌های مختلف، ممکن می‌شود. این رسانه‌ها، مکتوب و غیرمکتوب هستند. در شکل غیرمکتوب، امکاناتی چون نوار صوتی (نوار قصه‌گویی، موسیقی)، نوار تصویری، نگاره، کارت قصه‌گویی و کارت فعالیت وجود دارند. این شیوه، علاوه بر ایجاد زمینه در هر چه عینی‌تر و ملموس شدن اندیشه‌ها برای کودک، پاسخگوی سبک‌های یادگیری متنوع کودکان است. می‌دانیم سبک‌های یادگیری کودکان، متفاوت است و حتی یک کودک

رفتار انسان و موضوعات مطرح در زندگی او و فعالیت‌ها و کنش‌های کودک، «آسمان» کودک، مورد گفت‌وگو و جست‌وجو قرار گرفت. تلاش در پی‌جویی مفهومی، مهارتی و نگرشی در زندگی واقعی کودکان، به این طریق اتفاق افتاد که هم‌زمانی شهاب باران آسمان از یک دوره حدود ۷۶ ساله، بهانه درک دنیای کودکان و کاربرد مهارت دانش و نگرش برای آنان قرار گرفت. از شرکت‌کنندگان پرسیده شد اگر امشب با کودکان به بام و تماشای آسمان بروید، فکر می‌کنید که سناریوی گفت‌وگوی شما با کودکان درباره آسمان، چگونه خواهد بود؟ پس از نوشتن سناریوها، از آن‌ها خواسته شد تا «آسمان» کودکی‌شان را وصف کنند. همه مشتاق شنیدن «آسمان»‌های یکدیگر بودند. اگر چه آسمان یکی است، نگاه‌ها و تجربه‌ها متفاوت و متنوع بود. آسمان از نظرگاه شاعر، نویسنده، تصویرگر، بازی‌نویس، طراح فعالیت علمی، هنری، زبانی و اجتماعی شنیدنی بود. معجزه کلام خلاق، موسیقی فی‌البداهه و تصویر خلاق، زمینه‌ساز تشکیل گروه‌های کاری خلاق و هماهنگ می‌شود. گروه‌های کوچک که در قالب‌های متنوع خلاق، بر محور اندیشه‌ها و ایده‌های خلاق شکل می‌گیرند و به تنهایی و یا با مشاوره و گفت‌وگو بر ایده‌های اولیه و خلاق، آثاری خلق می‌کنند.

گفت‌وگو در مورد نگاه‌ها، تجزیه و تحلیل آسمان کودکی نویسنده با سناریوی امروز و شنیدن آثار فی‌البداهه، اولین گام‌ها در پروژه آسمان، برای تحقق سواد علمی، هنری و فناورانه است. گام بعدی، ارائه نتایج حاصل از گفت‌وگوهای

۱. (طرح ب)، فرایند مزبور را در پروژه «زمین و آنچه در آن است»، نشان می‌دهد.

تنوع رنگ‌ها و پیشنهادات کودکان بر اساس یک متن، آثار عمیقی بر رشد مهارت‌های هنری و ادبی کودکان می‌گذارد و کمک‌شان می‌کند تا تفاوت‌های فردی یکدیگر را به رسمیت بشناسند. همه در عمل خواهند دید که با حفظ خلاقیت و فردیت‌های خودشان، کارت‌ها چه زیبا رنگ‌آمیزی شده‌اند. آن‌ها زیبایی تنوع را تجربه خواهند کرد.

مثالی دیگر می‌زنم. داستانی از خانم افسانه شعبان‌نژاد، به نام «سنگ قرمز کوچولو»، برای نگاره انتخاب شد. شخصیت اصلی این داستان سوسک بود. در مشاوره به ایشان پیشنهاد شد با توجه به زندگی شهری امروز و نوع نگاه‌ها به سوسک، شخصیت را تغییر دهد. نظرهای گوناگون درباره شخصیت داستان که سوسک بود، داده و قضاوت درباره انتخاب شخصیت داستان، به مخاطبان در شهرهای مختلف سپرده شد. در راهنمای مربی برای کارشناسی اجرایی قصه، از او خواسته شد که به کودکان اجازه دهد تا در نقاشی قصه، به جای سوسک، یکی از شخصیت‌های زنبور، پروانه، کفشدوزک و یا هر شخصیتی را که دوست دارند، نقاشی کنند. نقاشی‌ها جمع‌آوری و نگاره‌ای با سه شخصیت، از نقاشی‌های کودکان تهیه شد. نگاره‌ای با نقاشی کودکان و بر اساس انتخاب شخصیت توسط آنان و تهیه کاربرگی مشابه مثال قبلی، یکی دیگر از گام‌ها اولیه برای حضور مخاطب^(۱) است.

در این‌جا، مخاطب، فقط مصرف‌کننده نیست، بلکه سهیم و همراه با نویسنده است. این کمک به کودک است که به یاری نویسنده و تصویرگر، سواد هنری و کاربرد توانمندی‌هایش را تجربه کند و عزت‌نفس به دست آورد. تنوع و فراوانی

هم، برخی از مطالب را با سبکی متفاوت با دیگر مطالب یاد می‌گیرد. پس تنوع رسانه‌ای، کمک بیشتری به کودک محوری و فراهم کردن فرصت برای کودک در برقراری ارتباط با آثار است. به عبارت دیگر، به جای این‌که به دلیل معیارهای مرسوم، چون محدودیت واژگان، تجربه، سطح رشد شناختی و... کار محدود بشود، از طریق رسانه‌های متنوع، قابل عرضه برای کودک می‌شود. این شیوه، از نظر تولیدکننده آثار خاص کودکان نیز راه‌هایی متنوع برای ارائه اندیشه را امکان‌پذیر می‌کند.

شاید مثال‌هایی بحث را روشن‌تر کند. یکی از داستان‌های ارائه شده برای چاپ در مجموعه مکتوب بسته، پس از مشاوره تولید، بسیار تصویری تشخیص داده و به نویسنده پیشنهاد تهیه کارت قصه‌گویی داده شد. با تهیه کارت قصه‌گویی از قصه و ارائه آن در بسته، در جهت درگیر کردن کودک با فضای قصه و زمینه‌سازی در ارتقای درک هنری او از قصه، کاربرد فعالیت برای کودک پیش‌بینی شد. در این کاربرد، تصاویر کارت‌های قصه، در اندازه کوچک چاپ و یک پاکت برای کاردستی هم در گوشه صفحه طراحی شد. در این کاربرد، دو کارت کوچک سفید هم پیش‌بینی و در راهنمای مربی اشاره شده که قصه را برای کودک بخوانید / قصه‌گویی کنید. کاربرد را در اختیار او بگذارید تا هر گونه که می‌خواهد آن را رنگ‌آمیزی کند، از او بخواهید که در دو کارت سفید، هر چیزی را که تصویرگر فراموش کرده، نقاشی کند و کارت‌ها را از صفحه جدا و در پاکت کوچک جای دهد. این‌ها کارت‌های قصه‌گویی کودک هستند. با این کارت‌ها می‌توان بازی‌های زیادی ساخت که بسیاری از شیوه‌های بازی، پیشنهاد خود کودکان است. ثبت مشاهدات توسط مربی، از کارهای کودکان (کارت‌هایی که اضافه کرده‌اند، نوع رنگ‌آمیزی و چگونگی درگیر شدن در بازی‌ها، نصب کارت‌های نقاشی شده روی تابلو و مشاهده

۱. این نگاره، حاصل نقاشی کودکان تهرانی، اصفهانی و مشهدی است و کودکان دیگر نیز در کاربردگوشش با آن‌ها در درک هنری و... سهیم و همراه شدند. انتخاب شخصیت سوسک، پایین‌ترین آمار را داشت.

تولیداتی از این دست، ضروری آثار خاص کودکان جامعه امروز ماست؛ آثاری که فرصت حضور به مخاطب بدهد و سواد عمومی را در درک ابعاد هنری آثار بالا ببرد^۱. همچنین، باب تفهیم و تفاهم میان آفریننده اثر و مخاطبان را بگشاید. این تازه ابتدای راه است. پس از یک دوره فراوانی تولید و دور شدن از فضای سفارشی‌نویسی، بی‌شک آثار علمی و هنری ماندنی خواهیم داشت که معیارهای تازه‌ای با خود به ارمغان می‌آورند؛ معیارهایی که گوشه‌ای دیگر از درک انسان و کودک انسان را دربردارد. لذت زندگی با کودک و گرفتن سوژه از زندگی‌اش، اثر را ماندنی می‌کند و معیاری نو برای آثار کودکان به ارمغان می‌آورد.

اجازه دهیم که تعاریف و استانداردها، از دل کار علمی و هنری و از همین جامعه برآید. خودمان را به معیارهایی که در میانی کار و نظر در جوامع دیگر ریشه دارند، محدود نکنیم. آنچه مهم است، بودن با کودک و درک او، فضاسازی برای حضور او در زندگی و بروز آن در آثار علمی و هنری‌اش است. آن‌ها فعال و پویا هستند و ما بزرگسالان در هر کسوت (پدر و مادر، نویسنده، شاعر، برنامه‌ریز و...) اگر فرصت ابراز حضور به آن‌ها بدهیم، در آثار خاص خود نیز راه می‌یابند و مخاطب گم‌شده نیز پیدا خواهد شد و به این ترتیب، تلاش او و ما عقیم نمی‌ماند. یکی از دلایل عمده افت تحصیلی و مشکلات نظام آموزشی امروز ما عدم شناخت صحیح از مخاطب و ناهماهنگی متون درسی با مخاطبان (دانش‌آموزان) است. آموزش و

پرورش نیز مخاطبش را گم کرده است و اگر در حوزه هنر نیز بحثی از آفت هنری نیست، عدم شناخت و بی‌توجهی به اهمیت آن، اجباری نبودن و نکنجیدن آن در قضاوت‌های کمی و نمره و یا شاید به این دلیل است که از شاخص‌های توسعه‌یافتگی به حساب نمی‌آید و از تبعات آن است. آیا والدین، فرزندان‌شان را می‌شناسند؟ آیا امروز با آن‌ها نه خوشی و خوبی زندگی می‌کنند؟ و به روز با آن‌ها گفت‌وگو، تعامل و زندگی دارند یا فقط به آینده آن‌ها می‌اندیشند و افسرده گذشته آن‌ها هستند؟ عزت‌نفس داشته باشیم و بدانیم که جامعه بشری و همچنین، جامعه امروز ما راهی طولانی در تحقق سواد علمی، هنری و فناورانه در پیش دارد.

فراموش نکنیم؛ بنیان علم و هنر کودک، با خلاقیت، ساخت دانش و کسب مهارت‌ها و تأویل و تفسیر زندگی، با حضور فعال او و توسط خود او شکل می‌گیرد و وقتی این اتفاق بیفتد، بی‌شک آثاری علمی و هنری و... ماندنی و خاص کودکان نیز خلق خواهد شد.

منبع:

سیمین بازرگان، برنامه‌ریزی چندبعدی، گامی در پیوند علم و هنر، کل‌نگری در تمدن و هرمنوتیک در زندگی کودکان.

۱. تجربه «میثا مخاطب گم‌شده»: نشان داد که شایسته است والدین، نویسندگان و منتقدان و مربیان ما، کودکان را به میزان بیشتری به رسمیت بشناسند و فضای آن‌ها را درک کنند.

مهارت‌های پایه‌ای یادگیری

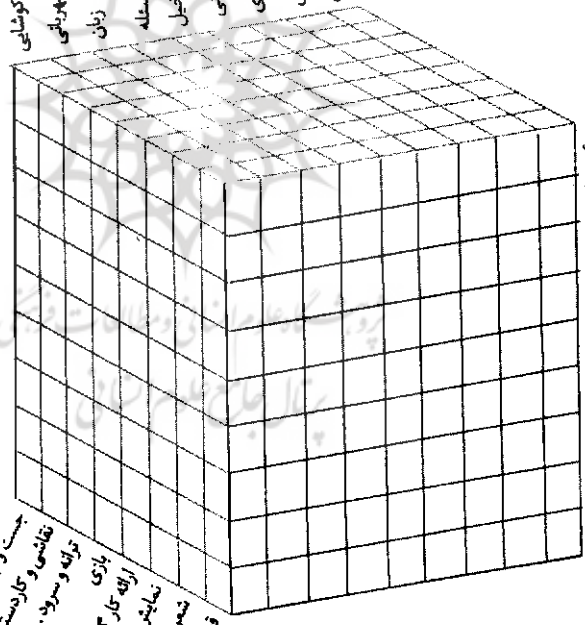
- آزمایش
- کاربردهای آن
- انگوسازی و
- فرهنگ‌سازی
- تفسیر یافته‌ها
- جمع‌آوری، ثبت و
- تجزیه و تحلیل
- مطالعه و
- مطالعه و
- مطالعه و

مهارت‌های تفکر انتقادی

- بیان اندیشه
- خلاق اندیشه
- کاربرد
- ارزش‌یابی
- تجزیه و تحلیل

مهارت‌ها و مضامین بین رشته‌ای

- زیبایی‌شناسی
- شهرزندی
- استقلال فردی
- پیش‌بینی
- تخیل
- حل مسئله
- زبان
- شادی و مهریابی
- کوشایی

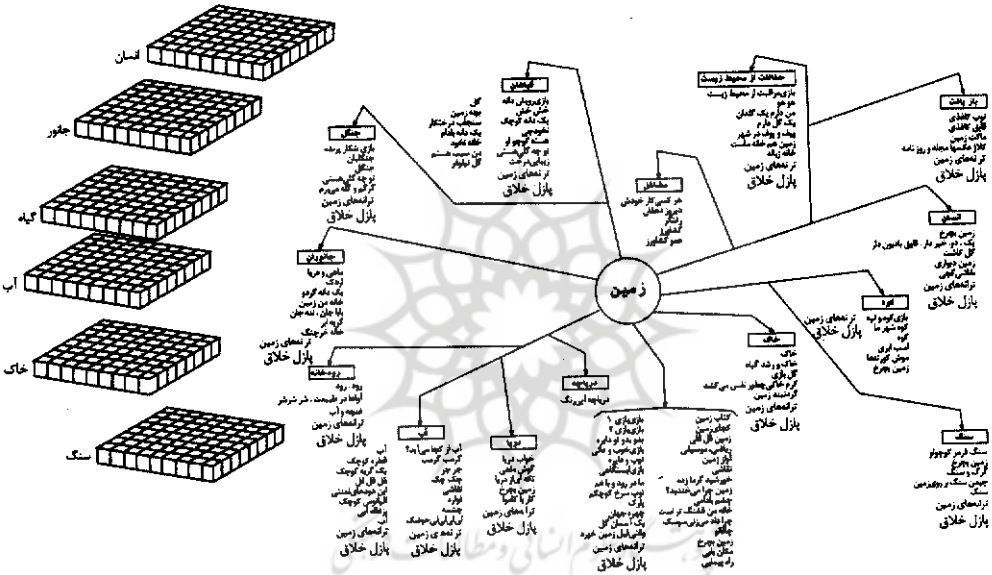


- حمل و نقل و حرکت
- ارتباطات و رسانه‌ها
- آسمان
- ایران و جهان
- آب و هوا
- زمین و آنچه در آن است
- غذا
- خانه و کودکان
- من و ما

- قصه‌گویی و قصه‌خوانی
- شعر و سرودخوانی
- نمایش، تئاتر، رقص
- آهنگ کار گروهی و جشن‌ها
- بازی
- تزیین و سربود
- موسیقی
- نقاشی و کار دستی
- سبک رقص، گفت و گو، گردش علمی

کودک محوری ← کار پروژه‌های

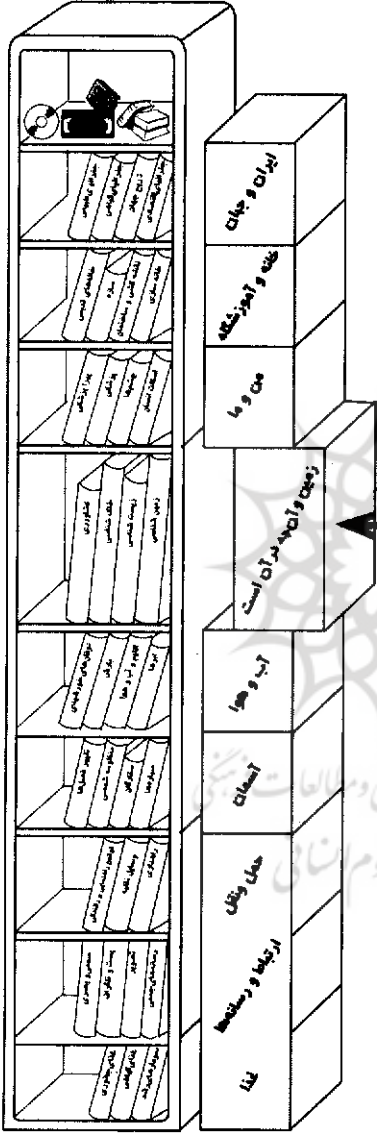
زندگی، علم و هنر و ...



طرح (ب)؛ چند بعد نگری در پروژه زمین تأویل و تفسیر متن (زمین و آن چه در آن است) از نگاه کودک.

طرح (ب)؛ چند بعد نگری در پروژه زمین. تأویل و تفسیر متن (زمین و آن چه در آن است) از نگاه کودک (دنباله در صفحه رویه‌رو)

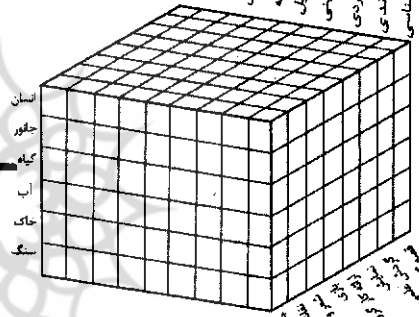
دانش امروز



مهارت‌های پایه‌ای یادگیری



مهارت‌ها و مضامین بین رشته‌ای



ب- ۱۳۸۰

طرح (ب): چند بعدنگری در پروژه زمین، تأویل و تفسیر مدن (زمین و آن چه در آن است) از نگاه کودک